

سبک‌شناسی انتقادی «تاریخ الوزراء»

زهرا جعفریان* / نرگس اسکویی**

چکیده

وجود دیوان‌سالاری ایرانی - اسلامی قدرتمند و حضور پررنگ وزیران دانشمند ایرانی - که خود ایدئولوگ سیاسی - مذهبی عصر خود بوده‌اند - از ویژگی‌های برجسته دولت سلجوقیان، به‌ویژه در عهد سلاطین نخست این حکومت مقتدر بوده است. این امر، التزام به نگارش تاریخ‌های مستقل را در موضوع این جایگاه خطیر سبب شد که پیامد آن، تولید آثاری در ذکر عملکرد، مآثر و سیرت وزیران و دیوان‌سالاران این عصر است. تاریخ الوزراء نوشته ابوالرجاء قمی، از جمله این آثار مهم تاریخی است. مسئله اصلی این تحقیق، تحقیق در لایه‌های سبکی کتاب تاریخ الوزراء، به‌منظور بازنمایی و تحلیل ایدئولوژی پنهان در زیرساخت‌های زبانی و ادبی این متن، با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی - استدلالی بوده است. نتایج تحقیق شامل این اطلاعات است: ۱. در لایه ایدئولوژیکی، نویسنده ضمن بازگویی تاریخ، به‌صراحت و با تعصب از قضاوت‌های شخصی خود در باب مهارت‌های شغلی دیوانیان و خصایص اخلاقی آنان با بهره‌گیری از تعالیم دین اسلام و آموزه‌های اخلاقی سخن می‌گوید؛ ۲. در لایه واژگانی، غلبه با شاخص‌های اسمی حکومتی، رمزگان مذهبی و اخلاقی و نیز واژگان ذهنی از حوزه اخلاق و دین است که بر گرایش و تعصب دینی و اخلاقی نویسنده تأکید دارد؛ ۳. در لایه نحوی، نویسنده با استفاده از جملات ساده و گسسته، صدای دستوری فعال، و جهت قاطع اخباری، با صراحت و قطعیت از گزاره‌های خبری خود جانب‌داری می‌کند؛ ۴. در لایه بلاغی، کثرت کاربرد ابزارهای بلاغی، کمتر در خدمت ایدئولوژی و بیشتر در جهت تقویت زیب

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران (نویسنده مسئول)

وزیر بانی است؛ ۵. در لایه کاربردشناسی، نویسنده با کنشگری بیانی-ترغیبی در پی اثبات و ترغیب نظام ارزشی خویش است.

کلیدواژه: تاریخ‌نگاری، وزارت‌نامه‌نویسی، تاریخ الوزراء، نجم‌الدین ابوالرجاء قمی، ایدئولوژی، سبک‌شناسی انتقادی، لایه‌های سبکی.

۱. مقدمه

وزارت‌نامه‌نویسی، جریان مهم و دیرپا در تاریخ ادبیات ایران است. این جریان در دوران اسلامی، کارکردی ویژه در انتقال و تداوم پاره‌ای از حوزه‌های مهم اندیشگان فرهنگی و سیاسی ایرانی داشته است. با انتقال امور به کارکنان دولتی و ایرانی در حکومت‌های اسلامی، نوشتن آثاری به سبک وزارت‌نامه‌نویسی رونق یافت. این دسته از متون تاریخی-ادبی، از لحاظ محتوایی شامل مواردی چون آگاهی‌های ارزشمند درباره امور دیوانی و کاربرد مفاهیم فنی این منصب و نیز نشان دادن تعارضات نظام‌های دیوانی است. همچنین بخش اصلی این نوع متون، به بیان ویژگی‌های مقام وزارت و احوال و سیرت وزیران اختصاص دارد. وزارت‌نامه‌نویسی، در عهد سلاجقه نیز به دلیل رونق یافتن نهاد دیوان‌سالاری و تعالی اعتبار و جایگاه وزارت و وزیر در تصمیم‌گیری‌های کلان کشوری، از سوی مورخان و مترسّلاتی چند، از جمله نجم‌الدین ابوالرجاء قمی، مؤلف تاریخ الوزراء، مورد توجه قرار گرفته است.

تاریخ‌نویسی ایرانی، قرن‌ها تحت سیطره قدرت سیاسی حاکم قرار داشته است و مورخان که اغلب وابستگان به دربار بودند، راوی شرایط زیست حاکمان و کنش‌های آن به گونه گزیده بوده‌اند. در عین حال، متون تاریخ‌نگار، منابعی به شمار می‌آید که انعکاس‌دهنده زیست - جهان مورخ و سپس بازنمایی آن در زبان وی است. متن، نوعی گفت‌وگو بین آفریننده (نویسنده) و خواننده است. این گفت‌وگو صرفاً بر پایه مکالمه بین دو سوی ارتباطی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه در اصل، گفت‌وگو بین جهان متن، جهان نویسنده و جهان خواننده است و حرکتی است پویا و زنده. نویسنده همواره

می‌کوشد من فردی خود را در پشت متن پنهان کند؛ اما احساس تعهد و بازنمایی ارزش‌ها چیزی است که همیشه تاریخ، دغدغه همه نویسندگان متعهد بوده است؛ نویسنده‌ای که به گفته ژان پل سارتر^۱ (۱۹۰۵-۱۹۸۰م)، «آن رؤیای ناممکن را از سر به در کرده است که نقش بی‌طرفانه و فارغانه‌ای از جامعه بشری ترسیم کند» (سارتر، ۱۳۴۸: ۴۲). بنابراین حتی در نوشته‌هایی که نویسنده اصرار دارد کلامش را به قول بارت^۲ (۱۹۱۵-۱۹۸۰م)، خنثی، آزاد و به اصطلاح به درجه صفر نوشتار نزدیک کند، مواردی از باورها و عقاید خود را به طور کاملاً ناخودآگاه در متن رسوخ می‌دهد. به بیان دیگر، متون تاریخی، بازتابی از گفتمان زمانه مؤلف در نظام فکری و نوشتاری اوست و اگر بپذیریم که تحلیل گفتمان، یعنی درک و دریافت آنچه در متن ذکر نشده است، از طریق کنکاش در عینیت‌های زبانی متن، آن‌گاه به لزوم تجهیز زبانی نگرش انتقادی به متون تاریخی برای کشف معانی و ایدئولوژی پنهان در کلام مورخ پی خواهیم برد؛ این همان طریقی است که سبک‌شناسی انتقادی در پی آن است. «در سبک‌شناسی انتقادی، هدف از مطالعه ویژگی‌های سبکی متن، آشکارکردن فرایندهای ایدئولوژیکی پنهان در متون است» (مکاریک^۳، ۱۳۸۸: ۴۲-۴۳).

۱-۱. بیان مسئله و ضرورت تحقیق

تحلیل گفتمان انتقادی که هدف عمده آن، تحلیل و ارزیابی متن بر اساس سنجش شرایط و فضای تولید متن و معناست، امروزه به یاری تحقیقات سبک‌شناسی آمده است تا اطلاعاتی دقیق‌تر از تجزیه و تحلیل‌های سبکی در اختیار محقق قرار دهد. وزارت‌نامه‌نویسی، یکی از انواع سیاست‌نامه‌نویسی در آثار مکتوب تاریخی و ادبی فارسی محسوب می‌شود که در شناساندن اهمیت و جایگاه نقش وزیر در حکومت‌های ایرانی و ارائه راه‌کارهایی برای بهبود کیفی این سمت خطیر می‌کوشد. این نوع نگارش متون تاریخی و سیاسی، در تحقیقات پژوهشگران علوم تاریخ و سیاست مورد توجه بوده؛ اما در پژوهش‌های زبانی و ادبی، کمتر به این متون توجه

1. Jean-Paul Sartre

2. Roland Barthes

3. Makaryk

شده است. وزارت نامه‌های پارسی از منظرهای سیاسی و تاریخی در چند تحقیق مورد تحلیل قرار گرفته‌اند؛ اما به دلیل گفتمان حاکم بر آن‌ها که راه‌یابی به ارتباط‌های پیدا و پنهان بین متن و فرامتن است، تاکنون موضوع سنجش و پژوهش نبوده‌اند. یافتن نکات پنهان فکری در ژرف‌ساخت گفتمانی متن، منجر به شناخت‌هایی عمیق‌تر از متن خواهد شد که از طریق پژوهش‌های زبان‌شناختی و سبک‌شناختی مبتنی بر اصول زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان تاریخی و فرهنگی متون میسر شده و مسئله اصلی این تحقیق بر همین اساس شکل گرفته است. این پژوهش بر آن است که یکی از نمونه‌های نوع وزارت‌نویسی، یعنی کتاب *تاریخ الوزراء* را در جست‌وجوی ایدئولوژی پنهان در لایه‌های مختلف متن بررسی و تحلیل کند. در این تحقیق، از شیوه ترکیبی (توصیفی - تحلیلی - استدلالی) بهره گرفته‌ایم.

۱-۲. پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقی مشابه پژوهش حاضر، روی متن *تاریخ الوزراء* انجام نشده است. رجایی بهبهانی (۱۳۷۴)، پایان‌نامه خود را با عنوان «شرح تاریخ الوزراء»، به توضیح معانی لغات و ابیات و عبارات فارسی و عربی این متن اختصاص داده است. قمری (۱۳۸۶) در مقاله «بررسی چند ترکیب مجازی تاریخ الوزراء»، یاری گلدره (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی باورهای قدما درباره جانوران و تجلی فراوان آن در کتاب تاریخ الوزراء قمی» و عبداللهی در مقاله «نظری بر تاریخ الوزراء: نثری مصنوع از قرن ششم»، هریک از جهاتی دیگر که در عنوان مقالات مشخص است، این متن را بررسی کرده‌اند.

۲. بحث و بررسی

۱-۲. تحلیل گفتمان انتقادی^۱ و سبک‌شناسی انتقادی^۲

تحلیل گفتمان انتقادی، شاخه علمی بین‌رشته‌ای در زبان‌شناسی است که کارکرد زبان را در جامعه و سیاست بررسی می‌کند. تحلیل گفتمان انتقادی، از رهاوردهای

1. Critical Discourse Analysis

2. Critical stylistics

تفکر پسانوگرایی (پست‌مدرنیسم) است که به‌ویژه ریشه در آرای میشل فوکو^۱ (۱۹۲۶-۱۹۸۴م) دارد. این رویکرد از زبان‌شناسی معتقد است که عواملی همچون بافت تاریخی، روابط قدرت و سلطه، نهادهای اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژی، متن یا صورت‌زبانی و معانی را به وجود می‌آورند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۱). تحلیل‌گفتمان انتقادی، چگونگی تبلور و شکل‌گیری و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبان (زمینه متن) و محیط بلافصل زبانی مربوط و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون‌زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند و این امکان را می‌دهد که قضایای حاکم بر متن، اهداف و نقش‌هایی که صورت کلام به دنبال دارند، کشف شود. در تحلیل‌گفتمان انتقادی، معانی تازه‌ای از گفتمان، قابل‌دستیابی است؛ زیرا در این رویکرد، فرض بر این است که «تنها یک معنا در متن وجود ندارد؛ بلکه به‌طور بالقوه هر متن دارای معانی متنوعی است که بعضی از آن‌ها به دلایل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... در مواقع مختلف، بر سایر معانی اولویت دارند؛ از این رو در واکاوی و تحلیل‌گفتمان، می‌توان با بهره‌گیری از روساخت‌های کلامی و زیرساخت‌های دلالتی، به معانی تازه‌ای دست یافت و به خطوط فکری، ایدئولوژیک و اهداف ارتباطی و کنشی گفتمان پی برد» (روشنفکر و اکبری‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۱۲۷).

در تحلیل‌گفتمان، با دو عنصر کلیدی سروکار داریم که باید به هردوی آن‌ها توجه کافی داشت؛ بافت متن و بافت موقعیت. منظور از بافت متن این است که عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته و جملات قبل و بعد از آن عنصر در داخل متن، چه تأثیری در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن دارد. در بافت موقعیتی، یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است، مد نظر قرار می‌گیرد. بافت‌های فرهنگی، اجتماعی، محیطی و سیاسی همگی از این نوع هستند (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۲۴).

«سبک‌شناسی انتقادی، اصطلاحی است برای اشاره به آن دسته از آثار سبک‌شناختی که روش‌هایی را بررسی می‌کنند که در آن‌ها مفاهیم اجتماعی از طریق زبان آشکار می‌شوند. زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی، این گرایش سبک‌شناختی را به‌طور گسترده‌ای الهام بخشیدند و بر آن اثر گذاشتند» (نورگارد و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶). به بیان دیگر، سبک‌شناسی انتقادی، رویکردی است که نحوه شکل‌گیری مفاهیم اجتماعی را در زبان و شیوه‌های بازنمایی آن‌ها تحلیل می‌کند. «مفاهیم بنیادی سبک‌شناسی انتقادی عبارت‌اند از: سبک، گفتمان، نظریه انتقادی، ایدئولوژی و قدرت. این رویکرد، از زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی متأثر شده است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۸۶).

۲-۲. ایدئولوژی^۱

اصطلاح ایدئولوژی، مورد توجه صاحب‌نظران تحلیل گفتمان انتقادی است؛ از جمله ون دایک^۲ با استفاده از واژه «باور» که از روان‌شناسی وام گرفته، ایدئولوژی را به‌طور عام به‌منزله «نظام باورها» تعریف می‌کند. از نظر او، ایدئولوژی هم می‌تواند منفی باشد که در این صورت، سازوکار مشروعیت‌بخشی به سلطه به شمار می‌آید و هم ممکن است مثبت باشد که در این صورت، برای مشروعیت بخشیدن به مقاومت در برابر سلطه و نابرابری‌های اجتماعی به کار می‌رود. همچنین ایدئولوژی، مبنای کردارهای اجتماعی نیز هست. یکی از این کردارهای اجتماعی که به‌شدت تحت تأثیر ایدئولوژی است، کاربرد زبان و گفتمان است. البته، کاربرد زبان و گفتمان نیز بر چگونگی کسب، یادگیری و تغییر ایدئولوژی تأثیر دارد (درپر، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۶). درهم‌تنیدگی زبان و ایدئولوژی، تا حدی است که زبان را صورت مادی ایدئولوژی دانسته‌اند و معتقدند که «زبان، آغشته به ایدئولوژی است» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۶).

۲-۳. ایدئولوژی قاهر سیاسی - مذهبی عصر سلجوقیان

1. Ideology
2. Teun Adrianus Van Dijk

پس از آنکه ترکان آغوز به سردمداری طغرل بیگ (۴۳۱ق.) دولت سلجوقی را در ایران تأسیس کردند، برای تثبیت پایه‌های اقتدار و برخورداری از مقبولیت و مشروعیت سیاسی، ناگزیر از چاره‌اندیشی‌هایی شدند. نزاع دائمی با امرا و حاکمان محلی برای حفظ قدرت و هوس سیری‌ناپذیر برای بسط دایره حکمرانی و معارضات با دول هم‌جوار، فرمانروایان این دولت را در معرض تعارضات و حملات سیاسی و نظامی متعددی قرار می‌داد. بدین منظور، آنان نخست با رفتن به زیر لوای خلفای عباسی بغداد، سعی کردند به سیطره خود بر ایران مشروعیت سیاسی - مذهبی ببخشند و سپس از دانش و سیاست‌ورزی دیوان‌سالاران مسلمان ایرانی، نظیر خواجه نظام‌الملک طوسی، برای بقا و استیلای خود بر ایران یاری جستند. در این زمینه، سلجوقیان با هم‌اندیشی وزیران دانشمند ایرانی خود، به دستاویزهایی چند متوسل شدند؛ از قبیل: ازدواج‌های سیاسی با حکام محلی (بنداری، ۱۳۵۶: ۲۲ و کلوزنر، ۱۳۶۳: ۲۸۴)، انتساب به خاندان اسطوره‌ای افراسیاب (راوندی، ۱۳۵۹: ۲۵۱-۲۵۲) و اتخاذ سیاست‌های نظامی و حکومتی، نظیر پاک‌سازی لشکر از ترکمانان و تشکیل سپاهی قدرتمند متشکل از غلامان ترک. بدین ترتیب توانستند امپراتوری قدرتمندی از جیحون تا شام تشکیل دهند و منشأ تحولاتی عظیم در عصر خود شوند.

در زمان حکومت سلاجقه، بین نهادهای مذهبی و قدرت سیاسی، پیوندی ایجاد شد و نتیجه آن، پیدایش نهادهای آموزشی (نظامیه‌ها)، دینی (مساجد و مدارس دینی به تعداد زیاد) و حکومتی (دیوان‌سالاری) جدید بود که شالوده دولت سلجوقی بر اساس آن‌ها استوار شد. سلجوقیان برای پیشبرد اهداف سیاسی خود، داعیه‌دار اسلام و مسلمانی شدند و در تابعیت از خلفای عباسی بغداد، به طریق تسنن رفتند. سران این دولت با تعصب از اهل سنت حمایت می‌کردند. این سیاست مذهبی، تابع وزیران بود؛ چنان‌که سلاجقه، نخست پیرو مذهب حنفی بودند؛ اما با روی کار آمدن خواجه نظام‌الملک - که می‌توان از او به‌عنوان تئورسین این حکومت یاد کرد - به مذهب شافعی گرویدند و آن را ترویج دادند و از نشر سایر فرقه‌های سنتی جلوگیری کردند که همین موضوع، موجب درگیری میان فرقه‌های اهل سنت شد.

سلجوقیان در حمایت از خلفای عباسی بغداد، با دولت فاطمی مصر و اسماعیلیه نیز در تعارض و جنگی پایان‌ناپذیر بودند. مناسبات خصمانه جریان عمومی اهل سنت با اسماعیلیان، علاوه بر توجیه مکتبی و اعتقادی، بیشتر در بستر سیاسی قابل تأمل است. خواجه نظام‌الملک در سیاست‌نامه خود در این باب می‌نویسد: «هیچ گروهی نیست شوم‌تر و بددین‌تر و بدفعل‌تر از این قوم که از پس دیوارها، بدی این مملکت می‌سگالند و فساد دین می‌جویند... و هرچند ممکن باشد که از فساد یا قیل و قال و بدعت چیزی باقی نگذارند» (طوسی، ۱۳۸۹: ۱۸۸). اسماعیلیان نیز در پاسخ به این دشمنی‌ها، مخالفان و صاحب‌نظران جبهه مقابل، یعنی سنّیان و سلجوقیان را ترور می‌کردند؛ آن‌چنان که ابوطاهر ارّانی، خواجه نظام‌الملک را ترور انقلابی کرد.

۳. شیوه تاریخ‌نگاری و اندیشه‌ورزی نجم‌الدین ابوالرجاء قمی

کتاب *تاریخ الوزراء*، معرفی صاحبان منصب و وزیران، شرح انتصاب، عزل و سایر اتفاقات دوره وزارت هفده وزیر از وزرای سلاجقه غرب ایران را در خود جای داده است؛ *تاریخ الوزراء*، ذیلی است که نجم‌الدین ابوالرجاء قمی بر کتاب *نفته المصدور*، تألیف *انوشروان بن خالد*، نگاشته است. «ذیل همین نفته المصدور که نجم‌الدین ابوالرجاء قمی و از منقطع حال ایشان تا اواخر عمر خویش از تقلّب احوال اهل روزگار و افاضل و امثال وزراء و امراء و ملوک و صدور شنیده است و مشاهده کرده، به هریک اشارتی لطف آمیز کند...» (وراوینی، ۱۳۷۰: ۸).

نجم‌الدین ابوالرجاء قمی، در قرن ششم هجری قمری و در عهد سلجوقیان می‌زیست. وی از طبقه مشیان سلجوقیان بوده، کار کتابت *تاریخ الوزراء* را در سال ۵۸۴ق. به پایان برده است. در این اثر کم‌نظیر تاریخی که مأخذ تقریباً همه مواد مربوط به وزرای سلجوقیان عراق است (*آثار الوزراء، نسائم الاسحار و...*)، گذشته از آگاهی‌های بسیار از شرح حال وزیران دوره سلجوقی، نگارنده از روزگار و چگونگی دستگاه دفتری (بوروکراسی)، از اصطلاحات فنی دیوان (نظیر طغرا، استیفا، انشا، توفیع

و اشراف) و نحوه امارات ترکی سخن به میان می‌آورد. نجم‌الدین به سنت دیگر وزارت‌نامه‌نویسان، گاه به طریق وعظ و حکمت گام می‌نهد و مضامینی چون اندرزگویی و بث‌الشکوی در مضمون بی‌وفایی و ناپایداری روزگار، مذمت جاهلان و نیز نکوهش کسانی که در برابر صاحبان زر و سیم سر تعظیم فرود می‌آورند و دست اربابان قدرت را می‌بوسند، در کتابش بسیار می‌توان یافت. مؤلف علاقه دارد به حاشیه برود و از موضوع مورد بحث، نتیجه اخلاقی بگیرد.

اهمیت آنچه نجم‌الدین در *تاریخ الوزراء* ذکر می‌کند، در این است که او خود همه اتفاقاتی را که به رشته تحریر در آورده، یا مشاهده کرده یا روایاتی است که آن را از اشخاص ثقه و مورد اعتماد شنیده است. «و در این مختصر شرح کردم نصوص حکایات را چنان که دیده بودم و شنیده نقل افتاد. توقع از مکارم دوستان، آن است که آن را به عین‌الرضا نگرند و اگر بر هفوتی واقف شوند، از آن تجاوز کنند تا به سنت مقابل شود» (قمی، ۱۳۶۳: ۱۵۸). این کتاب، گذشته از محتوا که بر مباحث سیاسی، تاریخی، کشورداری، دیوانی، جامعه‌شناسی و... اشاره دارد، از لحاظ ادبی، گنجینه‌ای از مثل‌ها، کنایات لطیف، تشبیهات بدیع و بیان استوار و... است.

نثر *تاریخ الوزراء*، مختصات نثر مرسل و ویژگی‌های نثر فنی را دارد. با ورود لغات کهن و عربی، استفاده بسیار از آرایه‌های ادبی و صورت‌های خیالی، تمثیل‌های متناوب و پیاپی، توصیفات متعدد و استشهاد به ابیات فارسی و عربی، آیات قرآنی و احادیث که از لوازم فنی شدن نثر به شمار می‌رود، نثر *تاریخ الوزراء*، راه فنی شدن را در پیش می‌گیرد.

مؤلف *تاریخ الوزراء*، اظهارنظر در باب قابلیت‌ها، مهارت‌ها، صنعت‌ها (هنر و توانایی‌های دیوانی) یا عدم کفایت شغلی وزرا و کارکنان دیوان‌های مختلف عهد خود را با صراحت، اما در مجرای پر طول و تفصیلی از جملات و عبارات هم‌معنی ابراز می‌دارد: «کار عزالدین ولی، در ملاحظت خط و تفخیم و تعظیم در این حرفت به درجتی بود که نقش مانی در استحسان برابر نقش کلک او نبود... بیاض و سواد خط او عزیزتر از بیاض و سواد چشم بود. دبیری تبیینی دارد، خط عزالدین ولی در هر طرف

که هست، مقتدی است... دیگر کتاب پیش او چون موران بودند. خط، زبان دست است. گریانی خندان تر از قلم ندیده‌اند...» (همان: ۷۶).

این یک واقعیت است که نویسنده تاریخ الوزراء، بیش و پیش از توجه به گزارش تاریخ، از نظر روساخت متن، به آرایش ادبی و بلاغی متن و از لحاظ فکری، به ارائه نکات اخلاقی، باورهای اعتقادی- مذهبی و قضاوت‌های شخصی خود - منبعث از تفکرات و سوگیری‌های سیاسی و دینی- در موضوع عملکرد و شخصیت اشخاص پرداخته است؛ به گونه‌ای که مخاطب، اغلب سررشته اتفاقات را در خلال بحث‌های اخلاقی و قلم‌فرسایی‌های طولانی ابوالرجاء گم می‌کند و در پیچ و خم درازگویی‌های ادیبانه و انتقادی- تعلیمی وی سردرگم می‌ماند. اظهارنظرهای مطنب نویسنده در جایگاه‌های مختلف متن و به شکل توالی معنای واحد در طرق مختلف بیانی (نظیر تلمیحات، کنایات، تمثیلات و امثال و حکم و استشهاد به آیات فارسی و عربی و آیات و احادیث)، به تعلیق در شکل روایتگری تاریخی این کتاب انجامیده است؛ همچون درنگ نویسنده در ذکر معنای بیهودگی لشکرکشی به همدان. همچنان که در مثال زیر دیده می‌شود، مؤلف صرفاً در تبیین مفهوم «کار بی حاصل و امر بیهوده»، از چندین عبارت هم‌سنگ، در شکل تصاویر بیانی استفاده کرده است:

«بالشکری که از زحمت آن، هامون کوه آسا نمود، به حدود همدان آمدند؛ سنگ خاره به دندان گرفتند و میخی در میان گاه می‌زدند و ریگ باران و قطره بیابان می‌شمردند و سنگی در دریا می‌افکندند و آهنی سرد می‌کوفتند و آب دریا زیربالا می‌کردند و زهری به گرو می‌خوردند و با درفش طپانچه می‌زدند و خاک بر روی آسمان می‌افشانند و تیری بر جرم خورشید می‌انداختند و نقش کتابتی بر آب می‌نوشتند و تخمی در شورستان می‌افکندند و شعاع آفتاب می‌پیمودند. می‌خواستند که آفتاب از مغرب برآرد و در مقابل آفتاب مشرق دارند. گمان بردند که از ستاره‌ها آتش باز شاید گرفتن و از مهتاب جامه شاید دوختن...» (قمی، ۱۳۶۳: ۱۱).

تأکید و ابرام بسیار بر بی‌وفایی و غدر جهان، تعصب بر دین و تأکید بر الزام به قیودات و احکام دینی، سفارش به معاندنشی از طریق خیرات و مبرات، جبرگرایی و تقدیرباوری، ذکر محاسن اخلاقی و فرجام نیک ابرار برای اندرزدهی و دعوت به نیکی‌ها، برشمردن و تفسیر مکاره و مقابح اخلاقی دیوان‌سالاران، هشدار دادن نسبت به سرانجام بدکاری و فساد از طریق برشمردن عاقبت ظالمان و فجّار، یاد کردن مداوم از مرگ و ناگزیری آن، شکایت از بدعهدی، بی‌وفایی، بی‌هنری و بی‌مروتی مردمان زمانه، شکوه از جفای ایام در حق هنریان و برکشیدن و قدر دیدن بی‌هنران و نیز تاختن بر اهل حکمت (فلاسفه)، از رئوس نگره‌های ایدئولوژیکی نویسنده در کتاب تاریخ الوزراء است: «صفی‌الدین مهتک بود، از ورع و تقوی دور. جرم او محض جرم بود. پیوسته مطالعات جعلی کردی که مثنی بی‌دین آن را حکمت نام کرده‌اند. ندانستی که احباط دین و اسلام در ضمن آن است و از علت و معلول گفتن، جز عذاب ابد نیاید... شیخ رئیس ایشان، ابوعلی سینا را در اصفهان با خاک برابر کردند» (همان: ۲۰۱).

۴. تحلیل لایه‌های سبکی تاریخ الوزراء

۴-۱. تحلیل لایه واژگانی تاریخ الوزراء

لایه واژگانی، یکی از لایه‌های بنیادین در شکل‌گیری یک اثر ادبی به شمار می‌آید؛ زیرا در شاکله سبک فردی، نقشی بسزا ایفا می‌کند. در این سطح، بررسی کوچک‌ترین واحدهای معنادر زبان، ساختمان واژه و شیوه ساخت واژه‌ها، معنای آن‌ها، ائتلاف معنایی واژه‌ها با هم، دال‌ها و نشانه‌ها و مانند آن انجام می‌گیرد. بررسی این سطح از سبک، به کمک دانش تکواژشناسی (علم صرف) امکان‌پذیر است. کلمه‌ای که موضوع مورد نظر خود را هدف قرار داده است، قدم به محیط کلمات، ارزش‌گذاری‌ها و تکیه‌های بیگانه‌ای می‌گذارد که به لحاظ مکالمه‌ای، آشفته و پرتنش است. کلمه مزبور گاه به درون روابط متقابل پیچیده‌ای جذب می‌شود و گاه از این روابط رانده می‌شود، با برخی می‌آمیزد و از پاره‌ای دیگر می‌گریزد و از میان گروه دیگری نیز می‌گذرد. تمامی این امور ممکن است اثری حیاتی در شکل‌گیری گفتمان

داشته باشند، در تمامی لایه‌های معناشناختی آن از خود ردّ پایی باقی گذارند، ترجمان آن را پیچیده سازند و کل وضعیت سبک‌شناسی آن را تحت تأثیر قرار دهند (باختین، ۱۳۸۷: ۳۶۵). بخشی از این نمودها در واژگان و ترکیبات متن پیداست. به عبارتی، «واژه‌ها علاوه بر رسالت ارتباطی‌ای که بر دوش می‌کشند، محمل انگاره‌ها و فضاها، ذهنی خالق خویش‌اند و هیچ‌گاه نباید از بار عاطفی آن‌ها غافل بود» (دلبری و مهری، ۱۳۹۴: ۶۷). «در پدیدارشناسی، ذهن انسان، مرکز و اساس همه معانی است. تفسیر متن هنگامی امکان‌پذیر است که متن، اجازه دستیابی مخاطب را به آگاهی نویسنده می‌دهد» (مقدادی، ۱۳۸۴: ۱۷-۱۸). «بسیاری، سبک را هنر و آژنویسی می‌دانند و در کار شناخت سبک‌ها بیش از هر چیز، چشم بر واژگان دوخته‌اند. این نگرش، گاه چندان بی‌پایه نیست؛ زیرا واژه، هم شناسنامه‌دارتر از دیگر سازه‌های زبان است و هم چونان انسان، زنده و پویاست» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۴۹). در مطالعه لایه واژگانی، مؤلفه‌هایی از قبیل واژگان حسی و انتزاعی، عموم و خصوص، رمزگان، شاخص و... بررسی می‌شوند.

۴-۱-۱. واژگان نشانه‌دار

وجود معانی ضمنی و تداعی‌های مثبت و منفی در واژه‌های نشان‌دار، سبب می‌شود که این واژه‌ها در بردارنده دیدگاه و نگرش مشخص و تلقی ایدئولوژیک باشند؛ از این‌رو، نشانه‌داری، بیان‌کننده رابطه بین‌افردی در کلام است و سطوح سبکی را بیان می‌کند. میزان استفاده از لغات بی‌نشان و نشان‌دار، می‌تواند معیاری روشن برای شناسایی سبک، انعکاس فردیت، دیدگاه روایی و تعیین میزان دخالت نویسنده در یک متن یا بی‌طرفی وی باشد. «این دسته از واژه‌ها، علاوه بر دلالت بر یک مفهوم خاص، در بردارنده معانی ضمنی و مفاهیم ارزشی نیز هستند که نگرش و طرز تلقی نویسنده و گوینده را در خود دارند» (شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۶). «نوع رمزگان در لایه وژگانی و نقش آن رمزگان در متن، میزان وابستگی و دل‌سپردگی نویسنده به گفتمان‌های مسلط و نسبت او با ایدئولوژی‌ها و نهادهای قدرت را مشخص می‌کند. البته گاه، بیان هنری

سخنور در حدی است که تن به سلطهٔ گفتمان‌های اقتدارگر نمی‌دهد» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۰).

۴-۱-۱-۱. رمزگان^۱

«رمزگان، از اصطلاحات کلیدی نشانه‌شناسی است. هر رمزگان، نظامی از دانش است که امکان تولید، دریافت و تفسیر متون را فراهم می‌کند و بیشتر بافت‌بنیاد و فرهنگ‌بنیاد است. زبان، بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین رمزگان است؛ زیرا همهٔ رمزگان‌های دیگر، از جمله رمزگان‌های آداب، پوشاک، غذا، اطوار، اشارات، نظام‌های حرکتی و غیره، به‌واسطهٔ زبان قابل توصیف است» (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

جدول شمارهٔ ۱- توابع فراوانی واژگان نشان‌دار در تاریخ الوزراء

رمزگان اعتقادی و اخلاقی	رمزگان حکومتی	رمزگان - حرفه
اجل، قضا، رحمت خدا، ثواب، حج، عدل، انصاف، فردوس، اعمال خیر، ورع و تقوی، دین، اسلام، مسلم، مسلمان، مسجد، مناره، نماز، آیه‌الکرسی، عبودیت، متواضع، متکبر	پادشاه- وزارت- سیاست- اصحاب- مناصب- دیوان- درگه- طغرا- دولت- سلجوقی- سلطان- ولایت- مستوفی- حکم- قدرت- دولت سامانیان- خلیفه- سلطان طغرل- حقوق- ملک- استیفا- مشرف	شاعر- راه علم- صنعت- معامله‌شناسی طبابت- دارو ساختن- شعر- هنر- اصحاب قلم- کاغذ- پارسی نوشتن- دانش- خامه- کتابت- مقط- نامه- خواندن

تحلیل رمزگان کاربردی در لایه واژگانی تاریخ الوزراء، نمایانگر گرایش به ایدئولوژی مذهبی و اخلاق‌گرایی است. گزینش غالب مؤلف از دایره کلمات و کاربرد آن در متن، همان‌گونه که در جدول نیز مشخص است، جهت‌گیری معناداری به سمت انگاره‌های مذهبی و مکتبی دارد که رنگی از اندر زده‌ی به رعایت موازین اخلاقی و مذهبی و نیز عاقبت‌اندیشی به متن این کتاب تاریخی بخشیده است. پس از رمزگان مذهبی، رمزگان حکومتی و نیز رمزگان دیوانی و انشایی، در مرتبه‌های بعدی گزینش واژگانی متن قرار دارند که با محتوا و مضمون متن و منظور از تألیف کتاب، ارتباط و پیوند می‌یابند.

۴-۱-۱-۲. شاخص^۱

شاخص، «صورتی از ارجاع است که وابسته به بافت گوینده است. اصطلاحی است که از کلمه یونانی به معنی نشانه‌گذاری اخذ شده است و با استفاده از ابزارهای زبان‌شناختی برای تعیین محل و مکان‌یابی هویت در بافت مکان اجتماعی، مکانی-زمانی و گفتمانی استفاده می‌شود» (شیبانی اقدم، ۱۳۹۴: ۸۱-۸۲). شاخص، همان القاب و عناوینی است که برای کلمات به کار گرفته می‌شود.

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی شاخص در تاریخ الوزراء

شاخص مکان	شاخص زمان	شاخص شخص
ری-فارس-دیالم-همدان-آذربایگان-خراسان-عراق-کرمان-گیلان-خوزستان	روز-مغرب-مشرق-شب-صبح-سال-نیم‌روز-روزدوسه-پارسال-چهارصد سال-امروز	جندتگین و وکیل دری (جرباذقانی) - جمال‌الدین و نظام‌الدین (لقب پسر فحول فضلا) - سوری (لقب محمد پسایی)

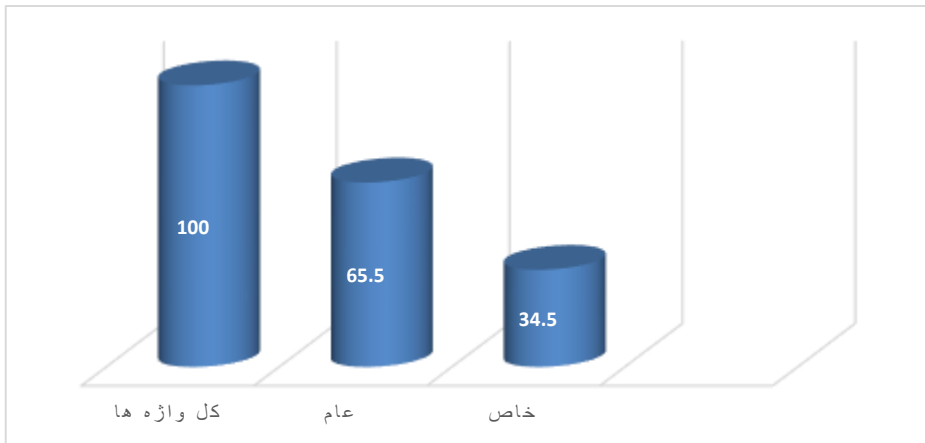
بررسی جدول شاخص‌ها در متن *تاریخ الوزراء* نشان‌دهندهٔ بالا بودن شاخص اسم، در شکل عناوین و القاب درباری برای اشخاص در این متن است که با توجه به مضمون اثر، عادی و قابل‌پیش‌بینی به نظر می‌رسد. شاخص‌های اسمی که به شکل القاب مرکب در پیوند با الدین و الدوله (کمال‌الدین، شمس‌الدوله) در متن به‌وفور وارد می‌شود، منبعث از انگاره‌های اندیشگانی حاکم بر فضای دربار و دیوان است. «صفی‌الدین را چون آخر کار بود، در خصومت کمال ثابت و مجدالدین ابوطالب و رضی‌الدین ابوسعید چاک باز زد و قضای بد، دست او از آستین به در آورد. از امیرهٔ دارا و ابراهیم ترسا و کریم‌الدین ابومسلم سه بیدق در مقابل رخ و پیل و فرس نهاد تا عاقبت به شاه‌مات انجامید» (قمی، ۱۳۶۳: ۶۷).

۴-۱-۱-۳. واژه‌های خاص و عام

«اسم خاص، آن است که تنها بر یک فرد معین از افراد نوع دلالت کند و اسم خاص، کمتر از عام وابسته می‌گیرد و جمع می‌شود» (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۱۸۴). هرچه نویسنده در نوشتار خود بیشتر از واژگان خاص بهره می‌جوید، اطلاعات بیشتری دربارهٔ امری که از آن سخن می‌گوید، در اختیار مخاطب می‌گذارد، مکث بیشتری در جریان گزارش موقعیت، بافت و متن اتفاقات پیش می‌آید و به تصویری‌تر شدن ادراک متن کمک می‌کند. اما عام بودن واژگان، بیانگر کلی‌نگری مؤلف است و نشان می‌دهد که هدف او از روایت متن، نه در گزارش واقعات، بلکه در نتایج آن است. ذهنیت عبرت‌اندیش و نتیجه‌گرای ابوالرجاء قمی در گرایش وی به گزینش واژگان عام، قابل دریافت است. وی جز در موضوع اعلام اشخاص و امکنه، در سایر موارد، واژه‌های عام را ترجیح می‌دهد و چندان روی جزئیات روایت و تبیین حوادث مکث نمی‌کند. کلام ابوالرجاء مطنب است؛ اما در روایت تاریخی، درنگ کمی دارد و سریعاً از جریانی به جریان دیگر می‌گذرد. درنگ‌های طولانی نویسنده در متن این کتاب، نه برای شکافتن موضوع و تشریح جزئیات، بلکه برای لفاظی و سخن‌پردازی است.

جدول شماره ۳- توزیع فراوانی واژه‌های خاص و عام در تاریخ الوزراء

واژه‌های خاص	واژه‌های عام
اسامی بزرگان (از جمله سلطان سنجر- قوام‌الدین- شرف‌الدین انوشیروان- امیر معزی- کمال‌الدین علی- سنایی)- خورشید- سپهر- جهان	سنگ- قصیده- سرو- جامه- دست- بیگانه- باغ- پا- مرد- نیک- جمال- باد- دریا- ابر- مهره- شیدا- گل- باز- چشم- ستاره- شادروان- ربقه- بخیل



نمودار شماره ۱- توزیع فراوانی واژه‌های خاص و عام در تاریخ الوزراء

۴-۱-۱-۴. واژه‌های حسی و ذهنی

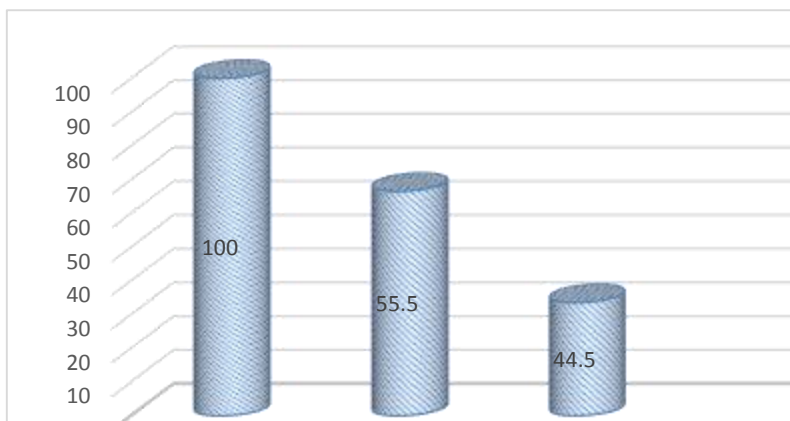
واژگان ذهنی، یعنی واژه‌هایی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعی‌اند و متن را به سمت انتزاعی شدن و عدم وضوح و شفافیت پیش می‌برند؛ اما واژگان حسی، بر وضوح متن می‌افزایند. در تاریخ الوزراء غلبه واژگان حسی بیش از واژگان ذهنی است و نشان‌دهنده صراحت و آشکاری نیت مؤلف در گزارشگری تاریخ است. تعداد واژگان ذهنی مربوط به معارف دینی یا معقولات اخلاقی و ادراکی نیز در متن این کتاب قابل توجه است؛ اما این کلمات به دلیل نقش زیربنایی که در فرهنگ و اعتقادات مخاطب دارند، بسیار برای او آشنا به نظر می‌رسند و از نوع نمادها یا استعارات پیچیده انتزاعی که موجب ابهام یا ذهن‌گرایی متن شوند، نیستند. بیشترین سهم از واژگان ذهنی در متن تاریخ الوزراء در بخش مربوط به

دلالت‌های اخلاقی، حکمی و مذهبی ابوالرجاء جای دارد و برگرفته از ایدئولوژی مذهبی و اعتقادی اوست.

«استاد شرف‌الدین در این نوبت چون از وزارت معزول شد، آب قناعت بر آتش حرص زد. تا وقت وفات منزوی و محترم بود و موقر. نه زندگانی کسی را از وی رنج و نه مرگ او کسی را شماتت. اسباب تعیش او مهیا و مهنا. نه از نهمت، عرض او مبتذل و نه به نهمت، دامن او آلوده» (قمی، ۱۳۶۳: ۸۱).

جدول شماره ۴- توزیع فراوانی واگان حسی و ذهنی در تاریخ‌الوزراء

واژه‌های حسی	واژه‌های ذهنی
شمع - کمند - عندلیب - گنج - دریا - کمند - خاک - عندلیب - کمان - خلعت - دیبا - گوهر - گل - حلقه - سرای - ابرو - پالهنک - میخ - خیمه - ناچه - دلو - سوزن	فضل - مروت - آز - شکر - عدل - علم - جهل - ظلم - دنیا - فضل - خواب - تمنی - طراوت - اقبال - اندیشه - وقار



نمودار شماره ۲- توزیع فراوانی واژگان حسی و ذهنی در تاریخ‌الوزراء

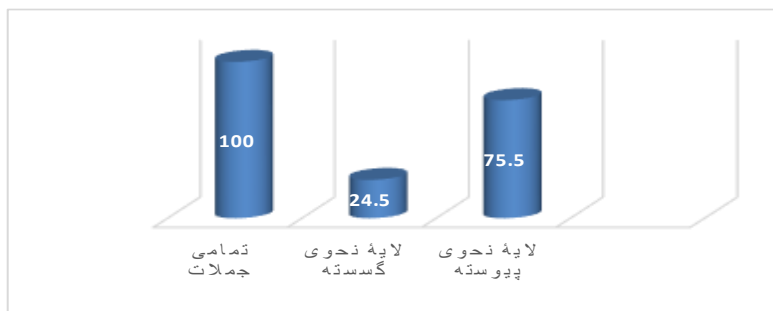
۴-۲. ایدئولوژی در لایه نحوی تاریخ الوزراء

۴-۲-۱. جملات گسسته و پیوسته و جملات ساده و مرکب

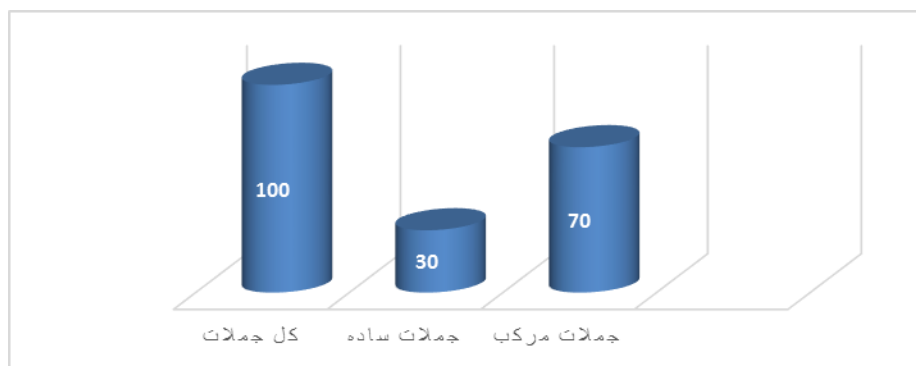
طول جملات و انقطاع یا عدم انقطاع بین عبارات، تأثیری بسزا در انتقال حالات روحی و جنبه‌های عقیدتی مؤلف به بافت متن ایفا می‌کند: «جمله، بلندترین واحد سازمانی در نحو است و اگر هر ساخت نحوی، شکلی از یک واحد اندیشه باشد، می‌توان از رهگذر بررسی بلندی و کوتاهی جمله‌ها، ساخت اندیشه و سبک و حالات روحی گوینده را تحلیل کرد؛ زیرا طول جملات، نسبتی با میزان درنگ و تأمل گوینده در یک واحد فکری دارد» (همان: ۲۷۵). در تاریخ الوزراء، نویسنده معنی کم را در لفظ زیاد تبیین می‌کند و نحو او از اطناب ممل در رنج است؛ زیرا غالباً عبارات متعدد با معانی واحد، پیوسته و رگباری به دنبال هم آورده می‌شود؛ اما اغلب طول جملات کوتاه است. همچنین در نثر کتاب، جملات ساده نسبت به جملات مرکب فراوانی بیشتری دارند. در نثر این کتاب، جملات کمتر به هم وصل یا عطف می‌شوند و از جملات تأویلی نیز کمتر استفاده شده است.

«اتابک محمد از ساوه حرکت فرمود. یک منزل برفت. از درگاه سلطان او را انفصال افتاد. از آفتاب بسیار وقت باشد که احتراز کنند. دستان امیر عمر و معین‌الدین ظاهر شد. سرّ میان مردم دشوار پنهان ماند. کوه جماد، چون آوازی بکنند، هم به صدا نمّامی کند. نهبن از سر تنور بیفتاد. امیر عمر ندانست که از آنچه عنکبوت بافد، جامه نشاید دوختن» (همان: ۲۰۱).

«خاصبک با شمس‌الدین ابونجیب متفق شد. شمس‌الدین مدت‌ها کدخدای او بود. او را از بطانۀ خویش می‌دانست. امیر حاجب تثار را به معاونت او قهر کرد» (همان: ۱۵۲).



نمودار شماره ۳- توزیع فراوانی جملات پیوسته و گسسته در متن تاریخ الوزراء



نمودار شماره ۴- توزیع فراوانی جملات ساده و مرکب در متن تاریخ الوزراء

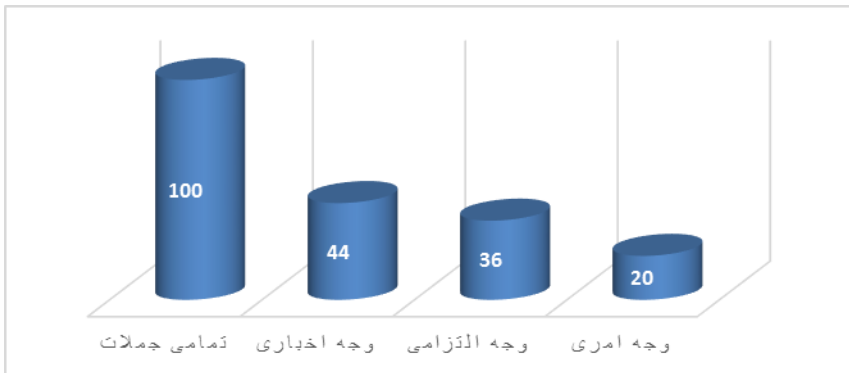
۴-۲-۲. وجهیت^۱

وجهیت ابزاری است که مؤلف با آن، درجه تعهد و التزام و قاطعیت خود را نسبت به گزاره‌هایی که ایراد می‌کند، نشان می‌دهد. وجهیت نحوی نشان می‌دهد که واکنش مؤلف در قبال پابندی به واقعیت یک گزاره، از چه نوع است؛ اعتماد و باور کامل، شک و تردید، تمنا و آرزو یا تحکم و اجبار. وجه کلام، در یک گفتمان، قادر است نوع مناسبات قدرت و ایدئولوژی را به تماشا بگذارد. وجهیت کلام در ابعاد اخباری،

1. Modality

التزامی، تمنّایی، معرفتی و عاطفی، قابل ره جویی است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸۴-۲۹۵). در متن تاریخ الوزراء از جنبهٔ وجهیت، غلبه با وجه اخباری است؛ یعنی همان وجهی که از التزام و باور کامل مؤلف به گزاره‌های گفتمانی مشخص - نظیر تعهد کامل به مناصب قدرت و پایبندی به باور مذهبی و انگاره‌های عبرت‌آموز و نیز معاداندیشی وی - نشئت گرفته است. وجه التزامی و امری، در درجات بعدی وجهیت نحوی این کتاب قرار می‌گیرند.

«سیم از اهل هنر چنان می‌گریزد که آهو از یوز. در این حساب به کیسه ساقط شده‌اند. روزگار با ایشان عربدهٔ مستان می‌کند. از الوان مطبخ جهان، کامه به ناکام می‌خورند. پای جز بر قدر گلیم نتوانند کشیدن. از تشنگی به آب گندیده راضی می‌شوند. هر کس که آلت دارد، محروم‌تر است. به هزار جاهل که کامران‌اند، یک عالم را نیم سیری نیست» (قمی، ۱۳۶۳: ۷۸).



نمودار شماره ۵- توزیع وجهیت جملات در تاریخ الوزراء

همچنان که از مثال‌های بالا برمی‌آید، مؤلف در روایت حوادث، وجه اخباری را هم برای افعال و هم در سطح جمله، برای ارکان دیگر جمله، از جمله قیود (لاجرم، در وقت و...) که نقشی بسزا در تعیین وجه جمله و متن دارند، برگزیده است. این امر، ناظر بر قطعیت متن و تکیهٔ مؤلف بر نظام باورهای خود است و از تأکید و توجیه او در امور مربوط به ارزش‌های ایدئولوژیکی (مذهبی - سیاسی) وی حکایت می‌کند.

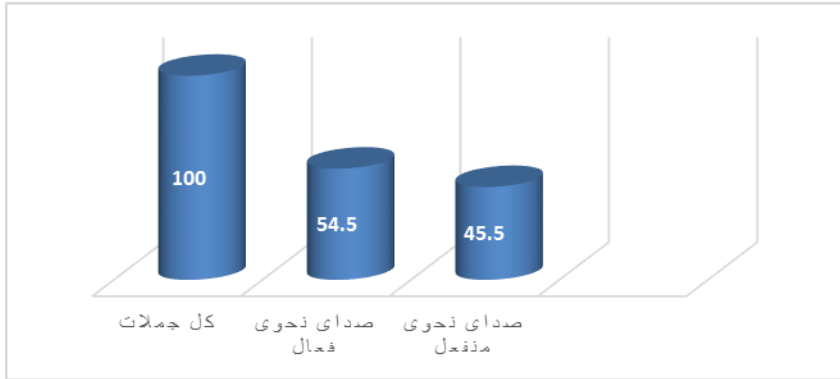
۴-۲-۳. صدای دستوری^۱

صدای دستوری، یکی از بازتاب‌دهنده‌های اندیشه و ایدئولوژی در زبان و سبک متن است. صدای دستوری، بیان‌کننده رابطه میان «کنش فعل با عناصر دیگر جمله (فاعل، مفعول و...)» از یک سو و رابطه نظام‌مندی میان سبک و اندیشه حاکم بر متن، از سوی دیگر است» (دشت‌بش و آهنچی، ۱۳۹۶: ۱۱۴). متنی که با فعل متعدی در جمله معلوم تولید می‌شود و فاعل، کننده کار است، صدای فعال دارد؛ اما جمله‌های مجهول با فعل‌های لازم و گذرا، جمله‌های اسمیه (با افعال ربطی، مانند است، بود، شد، گشت و گردید)، جمله‌های بی‌فعل و شبه‌جمله، همگی صدایی منفعل و پذیرش‌گرند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۹۶).

در متونی با گفتمان اقتدارگرا که قدرت به مثابه یک باور مقدس و ایدئولوژیکی حضوری فعال دارد، ذکر فاعل قاهر که اغلب یکی از دو سویه موافق یا مخالف و منتقد گفتمانی است و نیز حذف آن، به دو منظور مهم و ایدئولوژیکی انجام می‌یابد. هرگاه فاعل، تاثیرگذار بر مفعول ذکر می‌شود، نویسنده به دنبال قطعیت و جزمیت بیشتر گزاره‌های روایی خود است و همراه کردن نام فاعل با واژگان نشان‌دار و وجه اخباری، منظور او را در تقویت جانب خودی و تحقیر و تضعیف سویه دیگری مخالف مقدر می‌سازد. حذف فاعل و نسبت دادن رویکرد روایت به اقدام‌های دیگر جمله، نظیر مفعول یا مسند نیز موجب حضور همه‌گیر، اما در سایه قدرت خواهد بود که جنبه تقدس نیز بدان می‌بخشد. نویسنده تاریخ‌الوزراء همراه با قطعیت و جزمیت متن و نیز شفافیت و صراحت موجود در واژگان، از صدای دستوری فعال، بیشتر از صدای منفعل یاری گرفته است تا منظوره‌های ایدئولوژیکی خود را علنی‌تر سازد. در عین حال، صدای دستوری منفعل نیز در تاریخ‌الوزراء به فراوانی وجود دارد.

«صفی‌الدین اوحدی را امساک و بخل به افراط بود؛ چنان‌که نباش به شب کفن مردگان برد، او به روز جامعه مردم ستندی... اگر گوری رایگان دیدی، بیم آن بودی که

در آنجا خفتی؛ چون زن آبستن از هر بوی که برآمدی، نواله خواستی... خواهان آن بود که بنات النعش را دربرگیرد» (قمی، ۱۳۶۳: ۱۰۱).



نمودار شماره ۷- توزیع فراوانی انواع صدای دستوری در تاریخ الوزراء

۳-۴. تحلیل لایه بلاغی تاریخ الوزراء

بلاغت بیش از آنکه به بازنمایی «چه چیز» پردازد، به این توجه دارد که امور چگونه بازنمایی می‌شوند. اگر ایدئولوژی را محتوا بدانیم، صناعات بلاغی، غالباً تابعی از محتوای متن هستند؛ اما همین صناعات با آنکه تابع‌اند، عمیقاً در شکل دادن به واقعیات دخالت دارند. نویسنده ایدئولوژیست برای تقویت معانی مورد نظر خود، توجیه‌گری، استدلال و اقناع مخاطب با استفاده از صنایع بلاغی منظوره‌های ثانوی نظیر بزرگ‌نمایی، تحقیر، تخفیف، مبالغه، حسن تعبیر، کنایه، تهکم و امثال آن را در متن وارد می‌کند. در تاریخ الوزراء، نویسنده، علاوه بر منظوره‌های بلاغی و قدرت‌نمایی در وادی ترسّل و نویسندگی، برای تحکیم مبانی فکری و سیاسی مورد نظر خود، به فراوانی از ابزارهای زبانی- بلاغی استفاده می‌کند. این صناعات در کنار تقویت معانی فکری موجود در متن تاریخی، همچنان که پیش‌تر نیز اشاره شد، بر ادبیت متن تاریخی افزوده است و به‌ویژه قاطعیت در مدح موافقان مدّ منظور مؤلف و ذمّ مخالفان یا التزام پایبندی به خیرات و اجتناب از مکروهات و ضروریات را تحکیم بخشیده؛ همچون

عبارات زیر در تأیید کارآمدی وزارت قوام‌الدین که در آن، اغلب دستاویزهای بیانی نظیر تشبیه، کنایه، استعاره و مجاز احضار شده‌اند:

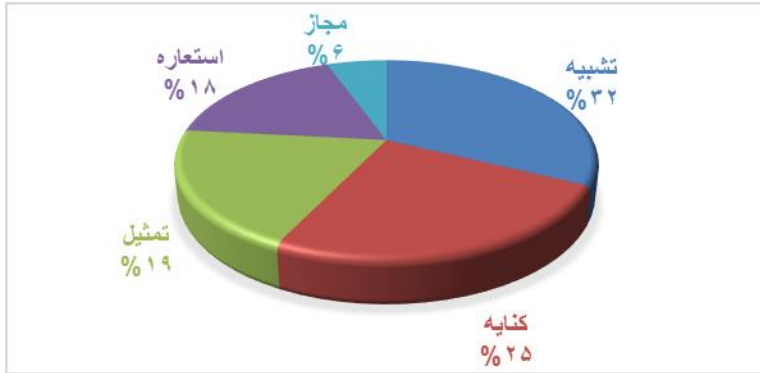
«در عهده قوام‌الدین، جریده جور و اجتناب بر طاق نهادند و نمد زین ظالمان که از چپ و راست دوانیدندی، خشک شد. جهانیان را بی آن که در رق عبودیت آمدند، نام شادبخت آمد. از آسمان عدل، خورشید و ماه را چون دو کفه زرین از سویت درآویختند... دولت پدرش، دولت درفش کاویان بود... همه گردن‌کشان در خدمت و طاعت چون دستی که آن را فصد کنند، مستقیم بودند» (قمی، ۱۳۶۳: ۲۲۱).

در متن *تاریخ الوزراء*، نویسنده برای تبیین تمام منظوره‌های ایدئولوژیکی خود، از ابزار بلاغی به فراوانی بهره می‌برد؛ چنان‌که سهم متن از تصاویر بلاغی، بیشتر از گزارش‌دهی تاریخی است. متن اگرچه از قطعیت نحوی و صراحت واژگانی برخوردار است، بهره‌جویی بیش از حد از صورت‌گیری‌های بلاغی، همچون دست‌اندازهایی بر سر راه تفهیم و تفاهم و ارتباط‌گوینده با مخاطب قرار گرفته است. اگر صنعتگری‌ها و تصویرسازی‌های شاعرانه متن، از آن کاسته شود، به یقین چیزی بیش از یک پنجم متن بر جای نمی‌ماند. در این حالت، ابزار بلاغی به جای ایفای نقش خودکار و طبیعی خود در جایگاه ایضاح، توجیه‌گری، استدلال و بحث‌های اقناعی و ایدئولوژیکی، شکل تصنع و تکلف پذیرفته‌اند و بی‌مصرف افتاده‌اند.

«دنیا رباطی است که مردم در آن پای در رکاب‌اند. در این خان، مزد جان‌ها، جان می‌ستانند. طاقت روی روزگار محال است. شیری جان‌رباست. شتر زشت روی و مکروه باشد. روزگار به حادثه مرگ مردم آبستن است. لابد باشد که روزی بار بنهد. مادری است چون گربه که فرزندان خویش از فرط محبت می‌خورد. کس نمد خویش از این آب بیرون نتواند آوردن. حلقه این حکم در گوش همه کرده‌اند... اختران فلک هم روزی در مگاک خواهند افتاد... ملک‌الموت هم شربت موت بچشد. ... میزان فلک را که تا این غایت زبانه نگسست هم پاره پاره کنند» (همان: ۴۳).

به‌ندرت در متن *تاریخ الوزراء*، شاهد کارکرد ابزار بلاغی به‌عنوان نوعی مجرای ارتباطی پوشیده و مستتر هستیم. در چنین مواقعی، مؤلف، سخن را بسیار سربسته و در

لفافه‌ای ضخیم از صورت‌نگری‌های بلاغی ارائه می‌کند. یکی از بارزترین مواقع، زمانی است که مؤلف قصد توصیف تابوهای اخلاقی، نظیر غلام‌بارگی را دارد (همان: ۸۱).



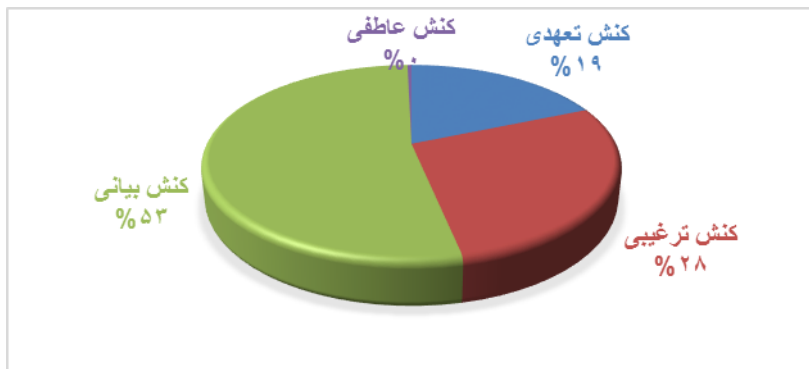
نمودار شماره ۸- توزیع فراوانی ابزارهای بلاغی در تاریخ الوزراء

۴-۴. لایه کاربردشناسی^۱

در لایه کاربردشناسی، به بررسی چگونگی ارتباط نویسنده با مخاطب در لایه‌های زیرین متن پرداخته می‌شود. آنچه در بخش کاربردشناسی، بیش از سایر مسائل مورد توجه سبک‌شناسی انتقادی قرار می‌گیرد، توجه به نوع نظام‌های گفتمانی موجود در متن است. نظام گفتمانی غالب بر وزارت‌نامه‌ها اغلب از نوع نظام گفتمانی کنشی هستند که در آن‌ها سه واژه کلیدی کنش، ارزش و تغییر برای تبیین هرچه بهتر نظام روایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در گفتمان‌های کنشی، با ابژه‌های ارزش‌محور مواجهیم که کنش‌گرانی در پی تصاحب آن‌ها هستند (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۷). در گفتمان ایدئولوژیستی و قدرت‌محور، ارزش از آن صاحب ایدئولوژی و قدرت است که قصد حفظ، اشاعه یا تبلیغ و صدور آن را دارد. از این رو، در این نوع نظام‌های گفتمانی، کنشگر اغلب دارنده و مدعی ارزشی است که با توجیه و دلالت بر آن، تمایل دارد دیگران را نیز به سمت آن ارزش جذب کند. چنین نظام گفتمانی در متن تاریخ الوزراء نیز قابل پیگیری است. در این نظام گفتمانی، همچنان که در نمودار مربوط به این بخش مشخص شده است، از میان انواع کنش‌های گفتمانی، پس از کنش بیانی یا تصریحی و اظهاری (تولید عبارات و جملات معنادار به منظور بیان یک واقعه یا گزارش

یک فرایند) که در تاریخ‌نویسی و هر نوع روایت دیگر، به گونه ذاتی بیش از دیگر کنش‌ها کارکرد دارد، به شکل معنی‌داری، غلبه با کنش تأثیری یا ترغیبی است. در این کنش، گوینده می‌کوشد مخاطب را به انجام کار یا پذیرش امری، با خود همراه و هم‌رأی سازد. بنابراین می‌توان نظام حاکم بر گفتمان تاریخ الوزراء را در گفتمان کنشی - ترغیبی دسته‌بندی کرد. در درجات بعدی کنش‌های گفتمانی در لایه کاربردشناسی متن این کتاب، باید به کنش تعهدی (ایراد تعهد، سوگند و قول در تأکید انجام عمل) نیز اشاره کرد. نظام ارزشی و نیز کارکرد بیان، توجیه، استدلال، ترغیب و تحذیر در کنش‌های گفتاری ابوالرجاء، همچنان که پیش‌تر نیز گفته شد، از طریق بازگویی پادافره اعمال نیک و بد و توصیف سرانجام و آخر و عاقبت افرادی که اعمال و احوالشان در این تاریخ روایت می‌شود، قابل‌ره‌جویی است؛ مثلاً در حسن عاقبت یکی - به دلیل رعایت ارزش‌های ایدئولوژیکی منظور - می‌نویسد: «سلطان ارسلان و اتابک شمس‌الدین و والده سلطان ارسلان بر اثر یکدیگر، به جوار رحمت خدای تعالی رفتند. گردون گردان، اظهار سیرت خویش کرد. ثواب هر نفس که در مصالح خلق زده بود، حجی مرور آمد. در سایه عدل و انصاف که فرموده بودند، آسایش یافتند. درهای فردوس بر ایشان گشاده شد. بالای گنبد اخضر اعلاء، صحیفه اعمال خیر ایشان باز کردند و نیشان ثواب، باغ امید ایشان را بیاراست» (قمی، ۱۳۶۳: ۲۱۶).

و در سوء عاقبت دیگری می‌نگارد: «بازار کمال ثابت تیز شد... استیلائی او به جایی رسید که رئیس منشأ و مسقط رأس خویش، صفی‌الدین محمد و کیل را میان بازار بیاویخت و قاضی قم را که چهارصد ساله خانه علم داشت، بفرمود تا در زندان هلاک کردند... او را همین حال افتاد. چند خون چون زه گریبان در گردن او آمد» (همان: ۷۲).



نمودار شماره ۹ - توزیع فراوانی کنش‌های گفتاری در متن تاریخ الوزراء

۵. نتیجه گیری

این تحقیق در پی آن بود که نحوه بازنمایی ایدئولوژی را در لایه‌های سبکی کتاب *تاریخ الوزراء*، به عنوان نمونه‌ای از وزارت نامه‌نویسی - که خود زیرمجموعه سیاست نامه‌نویسی است - بازجوید تا مناسبات بین زبان و تفکر سیاسی - مذهبی را در این نوع از مکتوبات تاریخی - ادبی تحلیل کند. ابوالرجاء قمی، منشی دربار و مورخ دوره سلجوقی، همچون بسیاری دیگری از هم‌پیشگان منشی و مورخ خود در این عهد، در تاریخ‌نویسی، تابعی از گفتمان قاهر سیاسی زمانه خویش است. تعصبات مذهبی، جوهره تفکر این عهد و ابوالرجاء را ساخته است؛ از این روی، ابوالرجاء در نقل واقعات عصر خود، پابندی بسیاری به تقدیر الهی و پادافره نیک و بد اعمال و مقیدات مذهبی و اخلاقی اظهار می‌دارد و هیچ سستی در داوری‌های شخصی و قضاوت در اوضاع و احوال و دانش و سیرت دیوانیان نمی‌کند. نتایج حاصل از بررسی لایه‌های سبکی متن *تاریخ الوزراء* نیز مؤید این نکته است:

۱. ابوالرجاء قمی، در لایه واژگانی کتاب *تاریخ الوزراء* با بهره‌مندی از شاخص‌های شخصی که اغلب القاب و انساب دیوانیان است، اعتبار و رسمیتی خاص به مناصب حکومتی در تاریخ‌نویسی خویش بخشیده است. همچنین در این بخش با گزینش از میان نشانه‌های مذهبی، تقید شخصی و حکومتی خود و حکام ممدوح معاصرش را به مناسک و ظواهر دینی، در جای‌جای متن ابراز داشته است. غلبه واژگان عام بر خاص و حسّی بر ذهنی نیز بر وضوح گفتمانی متن افزوده است.

۲. در لایه نحوی، مؤلف با گزینش نحو گسسته و جملات غالباً ساده و منقطع، اگرچه در امر گزارش‌دهی تاریخی، کندی و درنگی ملال‌آور از خود نشان می‌دهد، راه را برای زینت کلام و درازگویی‌های ادیبانه خویش هموار می‌کند. آنچه بیش از همه در لایه نحوی *تاریخ الوزراء* به تبیین مبانی ایدئولوژیکی نویسنده یاری رسانده، بهره‌گیری از وجه اخباری در لایه نحوی اثر است. وجهیت اخباری، صراحت و قطعیت مؤلف را در باورداشت‌های ایدئولوژیکی نشان می‌دهد. همچنین در این لایه،

مؤلف با انتخاب صدای دستوری فعال، صریح و آشکارا ارزش‌های اندیشگانی خود را ابراز می‌کند.

۳. در لایه بلاغی، تشبیه از سایر ارکان بلاغی پیشی دارد. تصاویر بلاغی فراوان موجود در متن *تاریخ الوزراء*، نخست به منظور قدرت‌نمایی مؤلف در عرصه انشاء و در مرحله بعد برای تقویت جنبه‌های ایدئولوژیکی متن، نظیر حقارت ظالمان و ناهلان و منظورهای چوین اغراق، استدلال و تمثیل به کار رفته است.

۴. در لایه کاربردشناسی و در نظام گفتمان کنشی ابوالرجاء قمی، کنش‌های بیانی و ترغیبی، اولویت معناداری برای مؤلف داشته‌اند. خواندمیر با روایت کشمند ترغیبی در متن *تاریخ الوزراء*، علاوه بر تلقین باورداشت‌های ایدئولوژیکی خود در متن، ارزش‌های مذهبی و سیاسی مد نظر خویش را به معرض نمایش می‌گذارد.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۹)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- باختین، میخائیل (۱۳۸۷)، *تخیل مکالمه‌ای: جستارهایی دربارهٔ رمان*، ترجمهٔ رؤیا پورآذر، تهران: نشر نی.
- بنداری، فتح بن علی (۱۳۵۶)، *تاریخ سلسله سلجوقی*، ترجمهٔ محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بهرام‌پور، شعبان‌علی (۱۳۷۹)، *گفتمان و تحلیل گفتمانی (مجموعهٔ مقالات)*، به کوشش محمدرضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان.
- درپر، مریم، (۱۳۹۲)، *سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علم.
- دشت‌بش، مرضیه و علی آهنچی (۱۳۹۶)، *بررسی لایه‌های نحوی سبک و صدای شعر سهراب سپهری*، دوفصلنامهٔ مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۸، شمارهٔ ۱۶، صص ۱۱۱-۱۳۴.
- دلبری، حسن و فریبا مهری (۱۳۹۴)، *کارکرد ایدئولوژی در لایه‌های سبکی داستان حسنگ وزیر*، متن‌شناسی ادب فارسی، دورهٔ جدید، شمارهٔ ۲، صص ۶۳-۷۸.
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۹)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۲، تهران: امیر کبیر.

- روشنفکر، کبری و عاطفه اکبرزاده (۱۳۹۰)، **تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدک حضرت زهرا، منهاج**، سال ۷، شماره ۱۲، صص ۱۲۵-۱۴۵.
- سارتر، ژان پل (۱۳۴۸)، **ادبیات چیست؟**، ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران: نشر زمان.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، **نشانه‌شناسی کاربردی**، تهران: علم.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۵)، **نشانه - معناشناسی ادبیات**، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۴)، **کلیات سبک‌شناسی**، تهران: میترا.
- شیبانی‌اقدم، اشرف (۱۳۹۴)، **کلیدواژه‌های سبک‌شناسی**، چ ۱، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- طوسی، نظام‌الملک ابوعلی قوام‌الدین حسن (۱۳۸۹)، **سیاست‌نامه**، چ ۹، تهران: علمی و فرهنگی.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱)، **سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**، تهران: سخن.
- فرشیدورد، خسرو، (۱۳۸۲)، **دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید**، تهران: سخن.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، **تحلیل انتقادی گفتمان**، ترجمه فاطمه شایسته پیران و همکاران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قمی، نجم‌الدین ابوالرجاء (۱۳۶۳)، **تاریخ الوزراء**، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مقدادی، بهرام (۱۳۸۴)، **فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی (از افلاطون تا عصر حاضر)**، تهران: فکر روز.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۹۰)، **دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر**، ترجمه مهراڻ مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- نورگارد، نینا، بثاتریکس بوسه و روسیو مونتورو (۱۳۹۴)، **فرهنگ سبک‌شناسی**، ترجمه احمد رضایی جمکرانی و مسعود فرهمندفر، تهران: مروارید.
- وراوینی، سعدالدین (۱۳۷۰)، **موزبان‌نامه**، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چ ۵، تهران: صفی‌علیشاه.